

امام صادق^(ع)؛ مرد علم و دانش
مرد مبارزه، مرد تشکیلات

رهبر شهید، حضرت آیت الله سیدعلی خامنه‌ای؛ امام صادق^(ع)؛ مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود. مرد علم و دانش بودنش را همه شنیده‌اید. محفل درس امام صادق^(ع) و میدان آموزشی که آن بزرگوار به وجود آورد، هم قبل از او و هم بعد از او در تاریخ زندگی امامان شیعه بی نظیر بود. همه حرف‌های درست اسلام و مفاهیم اصیل قرآن که در طول یک قرن و اندی به‌وسیله مغرضان و مفسدان یا جاهلان تحریف شده بود، همه آن‌ها را امام صادق^(ع) به شکل درست بیان کرد. اما مرد مبارزه بودنش را کمتر شنیده‌اید. امام صادق^(ع) مشغول یک مبارزه دامنۀ دار و پیگیر بود؛ مبارزه برای قیضه‌کردن حکومت و قدرت و به‌وجودآوردن حکومت اسلامی و علوی. یعنی امام صادق^(ع) زمینه را آماده می‌کرد تا بنی‌امیه را از بین ببرد و به جای آن‌ها حکومت علوی را که همان حکومت راستین اسلامی است، بر سر کار بیاورد. اما آن بُعد سوم را که اصلاً نشنیده‌اید، مرد تشکیلات بودن امام صادق^(ع) است که یک تشکیلات عظیمی از مؤمنان خود، از طرف‌داران جریان حکومت علوی در سراسر عالم اسلام، از اقصای خراسان و ماوراءالنهر تا شمال آفریقا به وجود آورده بود. تشکیلات یعنی چه؟ یعنی اینکه وقتی امام صادق^(ع) اراده می‌کند آنچه را که او می‌خواهد بدانند، نمایندگان او در سراسر افاق عالم اسلام به مردم می‌گویند تا بدانند. یعنی از همه جا جویها و بودجه برای اداره مبارزه سیاسی عظیم آل علی^(ع) جمع کنند. یعنی وکلا و نمایندگان او در همه شهرها باشند که پیروان امام صادق^(ع) به آن‌ها مراجعه کنند و تکلیف دینی و همچنین تکلیف سیاسی خود را از آن حضرت بپرسند. تکلیف سیاسی هم مثل تکلیف دینی واجب‌الاجراست. امام صادق^(ع) یک چنین تشکیلات عظیمی را به وجود آورده بود و با این تشکیلات و به کمک مردمی که در این تشکیلات بودند، با دستگاه بنی‌امیه مبارزه می‌کرد. در هنگامی که پیروزی او بر بنی‌امیه حتمی بود، بنی‌عباس به عنوان یک جریان مزاحم و فرصت‌طلب آمدند، میدان را گرفتند و بعد از آن امام صادق^(ع)، هم با بنی‌امیه و هم با بنی‌عباس مبارزه کرد. ۱۳۵۹/۶/۱۴

حکمت

همه چیز طبق خواسته ما نیست

علیرضا وکیل؛ گاهی آنچه ما را از یاد می‌آورد، خود سختی نیست؛ تصویری است که از زندگی در ذهلمان ساخته‌ایم. فکر می‌کنیم اگر درست رفتار کنیم، همیشه نتیجه خوب می‌گیریم؛ اگر رحمت بکشیم، حتما موفق می‌شویم و اگر کسی را دوست داشته باشیم، همیشه کنارمان می‌ماند. اما زندگی همیشه این‌طور پیش نمی‌رود. حضرت امیرالمؤمنین^(ع) در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه می‌خواهند فرزندشان، دنیا را با همه فرازونشیب‌هایش بشناسد. حضرت در جایی می‌فرمایند: «وَيُتَبَرِّهُ فِتْنَاتِ الدُّنْيَا وَحَذَرُهُ ضَوْلَهُ الذُّهْرِ وَفُتْنُ ثَقَلَبِ اللَّيَالِي وَالْآفَاقِ» (او [دل] را با حوادث تلخ دنیا آشنا کن، از هجوم روزگار بر خذرش دار و او را از دگرگونی‌های ناخوشایند شب‌ها و روزها آگاه کن).

امام^(ع) در اینجا یک درس مهم تربیتی می‌دهند؛ انسان را فقط برای روزهای خوب آماده نکن! فرزندی که همیشه همه خواسته‌هایش فراهم شده، ممکن است در اولین ناکامی، نماند با خودش چه کند. اما کسی که از کودکی یاد گرفته است سختی، تأخیر، شکست و تغییر نیز بخشی از زندگی است، در برابر مشکلات محکم‌تر می‌ایستد؛ مثلاً اگر جوانی در اولین شکست عاطفی یا شغلی احساس کند «دیگر زندگی تمام شد»، شاید بیش از آنکه از خود حادثه آسیب دیده باشد، از ناامادگی برای مواجهه با آن آسیب دیده است. تربیت درست یعنی به او یاد بدهیم که شکست درد دارد، اما پایان زندگی نیست؛ تغییر سخت است، اما همیشه به معنای نابودی نیست.

حضرت امام علی^(ع) نمی‌خواهند انسان بدبین شود؛ می‌خواهند واقع‌بین شود. همان‌طور که برای روزهای بارانی چتر همراه می‌بریم، باید برای روزهای سخت هم صبر، عقل، ایمان و مهارت تصمیم‌گیری داشته باشیم. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلْتَلْبِذُوا بَيْنَ يَدَيْكُمْ مِنَ الْغُفَى وَالْغُفَى...» (بی‌تردید شما را با بخشی از ترس، گرسنگی و کاستی‌های می‌آزماییم... بقره/۱۵۵)

احکام

وقف منزل با شرط استفاده تا پایان عمر

سمانه رضوانی؛ اسنت حسنه وقف، یکی از ماندگارترین و پربرت‌ترین اعمال خیر در فرهنگ اسلامی است که به واسطه آن، انسان می‌تواند با جدا کردن بخشی از دارایی خود از مالکیت شخصی و اختصاص آن به راهی الهی و عام‌المنفعه، سرمایه‌ای برای آخرت خود فراهم آورد. وقف، نه تنها به پایداری و استمرار امور خیریه، علمی، فرهنگی و اجتماعی کمک می‌کند، بلکه روحیه ایثار و مشارکت همگانی را نیز در جامعه تقویت می‌کند. در اینجا سؤالی در زمینه وقف را مطرح می‌کنیم که آیا شخصی می‌تواند منزل مسکونی خود را به این صورت وقف کند که تا وقتی که زنده است، تمام اختیار و بهره‌برداری از آن در اختیار خودش باشد و از لحظه فوت، آن منزل وقف بر موضوع معینی شود؟

شهید آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای؛

اگر منظور شخص، انجام وقف بعد از فوت باشد، صحیح نیست اما اگر وصیت به وقف کند و وصیت هم بیش از ثلث مال نباشد یا در صورت وصیت به بیش از ثلث، با اجازه ورثه صورت گیرد، اشکال ندارد. هرچند می‌تواند خانه را وقف کند و ضمن صیغه وقف، منافع خانه را تا زمانی که زنده است، استثنای کند؛ در این صورت، واقف می‌تواند تا پایان عمر از منافع خانه استفاده کند.

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی؛

کسی که مالی را وقف می‌کند، بنا بر احتیاط مستحب باید از همان موقع خواندن صیغه، وقف کند و اگر مثلاً بگوید این مال بعد از وفات من وقف باشد، اشکال دارد. ۲. ولی می‌توان مالی را برای همیشه وقف کرد، مشروط بر اینکه مثلاً چند سال اول مناقعش در اختیار واقف یا شخص دیگری باشد و در موقوفه مصرف نشود. ۳. کسی که مالی را وقف می‌کند، باید برای همیشه مال را وقف کند؛ یعنی اگر بگوید از حالا تا ۱۰ سال وقف باشد، اشکال دارد.

آیت‌الله‌العظمی سیستانی؛

کسی که مالی را وقف می‌کند، باید از موقع وقف کردن، مال را برای همیشه وقف کند و اگر مثلاً بگوید این مال بعد از مردن من وقف باشد، چون از موقع خواندن صیغه تا مردنش وقف نبوده است، صحیح نیست و نیز اگر بگوید تا ۱۰ سال وقف باشد و بعد از آن نباشد، یا بگوید تا ۱۰ سال وقف باشد، بعد، پنج سال وقف نباشد و دوباره وقف باشد، وقف صحیح نیست، ولی در این صورت اگر قصد حبس کند، حبس واقع می‌شود.

شنبه

۱۴ شهریور ۱۴۰۵
۱۳ شهریور ۱۳۸۹
۲۸ شهریور ۱۳۶۳

۱۴



شهریار

مروری بر جلوه‌های گره‌گشا و درس آموز اخلاق حضرت ختمی مرتبت(ص) در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسین حسینی قمی

اخلاقش گواه پیامبری اش بود

گفت‌وگو

آمنه مستقیمي | اینکه قرآن کریم از اخلاق پیامبر اعظم(ص) به «خلق عظیم» تعبیر می‌کند، خصوصیتی نیست که به روزگار حیات ایشان محصور شده باشد و امروز ما نتوانیم از چشمه اخلاق رسول مهربانی بهره‌بریم و متعزم شویم، بلکه امروز هم اگر خود را در مدار آن اخلاق قرار دهیم، نه تنها تنفس در حیات طیبۀ را تجربه می‌کنیم، بلکه دیگر لازم نیست حیران و سرگشته برای درمان دردها و آلام، به دنبال سراب برویم. فرارسیدن هفدهم ربیع‌الاول، سالروز ولادت رسول ختمی مرتبت(ص)، فرصتی است مغتنم تا به جلوه‌هایی از اخلاق و سیره نبوی و کاربردهای آن برای جامعه امروز بپردازیم. در این باره با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسین حسینی قمی، استاد حوزه و خطیب سرشناس مذهبی، گفت‌وگو کرده‌ایم.

پیشران و پیشگام در میدان عمل

از ویژگی‌های مهم پیامبر(ص) آن است که خود الگوی عمل به آن چیزی بودند که مردم را دعوت می‌کردند؛ اگر دعوت به انفاق می‌کردند و می‌فرمودند مالشان را در راه خدا بدهید، خودشان آن قدر انفاق کردند که قرآن فرمود پس است: «وَلَا تَسْطَهِمُكُلَّ النَّسَبِ» (اسراء/۲۹) هنگام جهاد نیز چنین بودند؛ در نهج‌البلاغه، بخش حکمت‌های شگفتی‌آور، شماره ۹ از امیرالمؤمنین^(ع) آمده است که: «كُنَّا إِذَا اخْرَجْنَا الْبَأْسَ اتَّقَيْنَا يَرْسُولَ اللَّهِ» فَلَمْ يَكُنْ أَخَذْنَا أَقْرَبَ إِلَيَّ الْغَدْوْمَةَ، هنگامی که کارزار سرخ می‌شد، ما خود را در پناه رسول الله^(ص) حفظ می‌کردیم (همه مابۀ پیامبر(ص) پناه می‌بردیم) و از میان ما، کسی نزدیک‌تر از او به دشمن نبود. «همچنین پیامبر اکرم(ص) درباره عبادت به مردم نمی‌گفتند شما نماز بخوانید، بلکه ابتدا خود عامل بودند، تا جایی که آیه نازل شد: «طه مَا أَتَيْنَا عَلَيْكَ الْفَرْنَ لِنَشْفِي؛ چقدر نماز می‌خوانی و عبادت می‌کنی؟ ما این قرآن را نازل نکردیم که این قدر خود را به زحمت ببندازی.» (طه/۲۱)

در عبادت و جهاد بر همه، مقدم بود

درباره کیفیت نماز شب پیامبر(ص) آمده است که از خواب بیدار می‌شدند و وضو می‌گرفتند، آیات پایانی سوره آل عمران را می‌خواندند، به آسمان نگاه و گریه و راز و نیاز می‌کردند، دو تا دو رکعت نماز می‌خواندند و می‌خوابیدند. دوباره بیدار می‌شدند، دو تا دو رکعت می‌خواندند؛ هشت رکعت، دوباره می‌خوابیدند و دوباره بیدار می‌شدند، دوباره عبادت، آیه نازل شد، پس است. دوباره ایثار آیه نازل شد، دوباره هدایت آیه نازل شد، پس است. پیامبر(ص) در جهاد، مقدم بر همه بودند، در ایثار عزیزان خود، مقدم بودند؛ در جنگ بدر پسرعمویشان عبیده تقدیم شد؛ در جنگ احد عمویشان حمزه به شهادت رسید و در جنگ مؤته، پسرعمویشان جعفر طیار،

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی
نویسنده و فعال فرهنگیبررسی روایتی تکان دهنده از امام صادق^(ع)

تکبيرة الاحرام و راز شیرین شدن نماز

این لرزش، به معنای اضطراب و هراس ظاهری نیست، بلکه شور و شفق و بیداری دل در برابر عظمت خدا بزرگ نیست، نه مال، نه موقعیت، نه خواسته‌های نفس، نه ترس از مردم و نه شیرینی گناه.

این نخستین ذکر نماز، تنها اعلام ورود به یک عبادت نیست، بلکه اعلام یک موضع است که هیچ چیز در برابر عظمت خدا بزرگ نیست، نه مال، نه موقعیت، نه خواسته‌های نفس، نه ترس از مردم و نه شیرینی گناه.

تکبيرة الاحرام، دروازه ورود به نماز است. «احرام» از همان ریشه‌ای می‌آید که در مناسک حج نیز می‌شناسیم؛ یعنی وارد شدن به حریمی که در آن، برخی امور بر انسان ممنوع می‌شود. نمازگزار با گفتن «الله اکبر»، یا به حریم دیدار و گفت‌وگو با خدا می‌گذارد؛ حریمی که در آن، باید دل را از پراکندگی‌ها جمع کند و روی دل را، همانند روی بدن، به سمت قبله برگرداند.

قرآن کریم، نشانه مؤمنان را چنین بیان می‌کند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ فَلُؤْنُهُمْ؛ مؤمنان کسانی هستند که هنگامی که خدا یاد می‌شود، دل‌هایشان به لرزه می‌افتد.»

تکذیب می‌شود. مضمون روایت آن است که

محرور شدن از شیرینی یاد خدا ولدت مناجات، می‌تواند نشانه‌ای باشد از اینکه میان زبان و دل ما فاصله افتاده و خداوند در بیان این ذکر از مصادقت ندیده است. این سخن، بیش از آنکه انسان را ناامید کند، باید او را به صداقت و بازگشت دعوت کند. چه بسیار کسانی که در آغاز نماز، شیرینی و حضور قلب چندانی احساس نمی‌کنند اما همین آندوه از دوری، خود می‌تواند آغاز راه باشد. بنده‌ای که با دل شکسته می‌گوید: «خدا یا! گناهکارم! ما را از درگاهت مران که جز تو نمانی ندارم»، در حقیقت هنوز رشته امید و بندگی را رها نکرده است. حقیقت «الله اکبر» فقط در چند ثانیه آغاز نماز خلاصه نمی‌شود، تکبیر باید در

میدان زندگی نیز دیده شود؛ آنجا که انسان، میان رضایت خدا و منفعتی زودگذر قرار می‌گیرد، میان حرامی شیرین و اطاعتی دشوار، میان حفظ آبرو نزد مردم و حفظ حرمت فرمان خدا، کسی که در این دوراهی هارضای الهی را انتخاب می‌کند، در عمل می‌گوید: «الله اکبر»؛ یعنی خدا از خواسته من، سود من و نگاه دیگران، بزرگ‌تر است. از همین رو، تکبیر نماز یک ادعا نیست؛ یک پیمان است. پیمان اینکه خدا در تصمیم‌ها، محبت‌ها، نگرانی‌ها و انتخاب‌های ما جایگاه نخست را داشته باشد. اگر زبان «الله اکبر» بگوید اما دل پیوسته دربی بول، شهرت، قدرت یا خواسته‌های نفسانی باشد، انسان باید با خود صادقانه خلوت کند و پیرسد، در عمل، چه چیزی برای من بزرگ‌تر است؟

دست‌ها را در آغاز نماز بالا می‌بریم؛ گویی دنیا را پشت سر می‌اندازیم و با دلی آزاد تر و به خدا می‌ایستیم. نماز، تمرین همین رهایی است؛ رهایی از هر آنچه دل را از خدا می‌گیرد و بزرگ‌تر از او جلوه می‌کند.